

نوع مقاله: ترویجی

نقش زیادبن ایبه در تقویت و تثبیت حکومت بنی‌امیه

tanyani_110@yahoo.com

سیداکبر موسوی تینیانی / سطح ۳ تاریخ تشیع حوزه علمیه قم و دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب
دریافت: ۹۹/۱۲/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

چکیده

زیادبن ایبه از کارگزاران بنی‌امیه است که در یک برهه حساس تاریخی در نیمه سده اول هجری در منطقه سوق‌الجیشی و بحران خیز عراق امارت داشته، که در این پژوهش دوران ولایت‌داری او بر عراق، برای تحلیل هرچه بهتر تاریخ صدر اسلام و روشن شدن زوایای پنهان و ناشناخته آن، مورد کندوکاو قرار گرفته است. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که زیادبن ایبه در زمان امارتش بر عراق، به چه میزان در تقویت و تثبیت خلافت امویان نقش آفرین بوده، و چه اقداماتی را در این راستا انجام داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که او با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توان مدیریتی، به شدت مخالفان بنی‌امیه را سرکوب کرده و با اقدامات اجتماعی، اقتصادی، تمدنی و فرهنگی، سعی داشت حکومت امویان را موفق جلوه دهد. نتیجه اقدامات او موجب شد که سرزمین عراق در دوران امارت وی برای امویان آرام باشد و خطرات احتمالی عراقیان برای حکومت تازه تأسیس بنی‌امیه مرتفع گردد.

کلیدواژه‌ها: زیادبن ایبه، بنی‌امیه، شیعیان، کوفه، بصره، جبرگرایی.

مقدمه

در پژوهش پیش‌رو با این پرسش اصلی روبه‌رو هستیم که *زیادبن‌ابیه* به چه میزان در تقویت و تثبیت حکومت امویان تأثیرگذار و نقش‌آفرین بوده است؟ در پی این پرسش، پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود که *زیاد* برای تقویت حکومت بنی‌امیه چه اقداماتی را در امارت تحت سیطره خود انجام داد؟ *زیادبن‌ابیه* در برابر مخالفان سرسخت بنی‌امیه همچون شیعیان و خوارج در عراق، چه سیاستی را در پیش گرفت؟ به‌نظر می‌رسد *زیاد* به خاطر جاه‌طلبی و جبران بحران هویت و جایگاه اجتماعی‌اش، می‌کوشید وفاداری خود را به خلافت بنی‌امیه و شخص *معاویه* به اثبات برساند؛ از این‌رو، مخالفان خلافت اموی را به شدت سرکوب کرد؛ و از طرفی با اقدامات اجتماعی و عمرانی و فرهنگی در راستای تقویت و تثبیت خلافت بنی‌امیه از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نکرد. از همین‌روست که تاریخ‌نگاران گفته‌اند: «*زیاد* نخستین کسی بود که کار حکومت را قوام داد و سلطنت *معاویه* را استوار کرد و مردم را به اطاعت واداشت و به عقوبت پرداخت و شمشیر کشید» (طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۲۲). با توجه به جایگاه مهم *زیادبن‌ابیه* در حکومت بنی‌امیه و امارت وی بر سرزمین با اهمیت عراق در برهه‌ای حساس تاریخی، تحلیل نقش او در تقویت و تثبیت حکومت بنی‌امیه، در فراتحلیل وقایع صدر اسلام بسیار حایز اهمیت است.

معمولاً در پژوهش‌های مربوط به تاریخ صدر در سده اول هجری، به *زیادبن‌ابیه* به‌عنوان یکی از نقش‌آفرینان آن روزگار اشاره می‌شود، اما با این حال، تحقیق مستقلی که مستقیماً درباره اقدامات *زیادبن‌ابیه* در تثبیت خلافت بنی‌امیه صورت گرفته باشد، یافت نشد. مهم‌ترین نوآوری این پژوهش نیز این است که از منابع مختلف تاریخی اقدامات مهم *زیادبن‌ابیه* در تقویت پایه‌های خلافت اموی، استخراج شده و به نحو مستقل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۱. اقدامات سیاسی زیاد در تثبیت خلافت اموی

۱-۱. سرکوبی مخالفان بنی‌امیه

پس از صلح امام حسن^ع منطقه مهم و سوق‌الجیشی عراق تحت سیطره *معاویه* قرار گرفت. درحالی‌که عمده مخالفان و دشمنان سرسخت *معاویه* در عراق حضور فعال داشتند. *معاویه* پس از رویداد صلح، بلافاصله در کوفه بر فراز منبر رفت و عراقی‌ها، به‌ویژه کوفیان

زیادبن‌ابیه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حاکمان عراق در سده نخست هجری بود. او که در منابع به *زیادبن‌ابیه*، *زیادبن‌عبید*، *زیادبن‌سمیه* و *زیادبن‌آمه* و یا به *زیادبن‌ابی‌سفیان* مشهور است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۶، ص ۱۷۹ و ۱۸۰). از زن بدکاره‌ای به نام *سمیه* در طائف و در میان قبیله ثقیف زاده شد و پدر او معلوم نبود. از این‌رو، وی در جامعه قبیله‌محور آن روزگار دچار بحران هویت بوده است. با این حال *زیاد* در زمان خلافت عمر و در اوان نوجوانی و به دلیل توانایی‌هایش متصدی برخی از امور حکومتی گردید، که دبیری حاکم شهر جدیدالتأسیس بصره از آن جمله است (دینوری، ۱۹۶۰، ص ۱۱۸). او در زمان خلافت عثمان نیز همچنان این مسئولیت را عهده‌دار بود (خلیفه‌بن خیاط، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۳؛ ابن‌عبدربه اندلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۰). *زیاد* در زمان خلافت امیرمؤمنان علی^ع نیز به مناصبی دست یافت. با آنکه او از شرکت در جنگ جمل خودداری کرده بود، ولی امام علی^ع وی را به‌خاطر کاردانی و آشنایی‌اش با امور دیوانی، مسئول امر خراج و بیت‌المال کرد (ابن‌عساکر، ۱۴۲۵ق، ج ۱۹، ص ۱۷۱). البته او پس از چندی از سوی آن حضرت به استانداری فارس و کرمان نیز منصوب شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۳۸۱ و ۳۸۲). گفتنی است که *زیاد* در این مدت از خلافت حضرت امیر^ع حمایت می‌کرد و به شدت با *معاویه* دشمنی می‌ورزید و با هرگونه توطئه وی مقابله می‌کرد (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۹۶۹، ص ۳۴۶). اما پس از شهادت امیرمؤمنان علی^ع او به‌طور شگفت‌آوری تغییر موضع داد و درخواست *معاویه* را اجابت کرده و به وی پیوست. *معاویه* که از توانمندی و کارایی *زیاد* به‌خوبی آگاه بود، از بحران هویت وی سوءاستفاده کرده و در رفتاری ناباورانه و غیراسلامی و با دستاویز قرار دادن رابطه نامشروع *ابوسفیان* با *سمیه* در زمان جاهلیت، او را برادر خود خواند و به *ابوسفیان* ملحق کرد (مسعودی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۷۰). این اقدام تأثیر شگرفی در نزدیکی هرچه بیشتر و وفاداری *زیاد* به بنی‌امیه و شخص *معاویه* داشت. او که بلافاصله از سوی *معاویه* به امیری عراق برگزیده شده بود، می‌کوشید با اجرای دستورات *معاویه*، منطقه سوق‌الجیشی و یرتلاطم عراق را برای امویان حفظ کند و وی برای خوش‌خدمتی هرچه بیشتر به *معاویه*، نسبت به اهل‌بیت^ع و شخص امیرمؤمنان^ع و شیعیان آن حضرت کینه‌توزانه دشمنی می‌ورزید.

امام علیؑ برپا می‌کرده و کوفیان را به بیزاری از آن حضرت وامی‌داشته است (ابن‌عساکر، ۱۴۲۵ق، ج ۱۹، ص ۲۰۴). نوشته‌اند که او صیفی‌بن قیس را شکنجه می‌کرد و می‌گفت: «علیؑ را لعن کن! یا آنکه گردنت را بزَنَم» (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۵۰ و ۲۵۱). و یا رشید هجری را به خاطر عدم لعن و تبری از امام علیؑ به طرز دردناکی به شهادت رساند (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۲۵ و ۳۲۶). به‌هرروی، زیاد موفق شد با خفقان و اقدامات رعب‌انگیز و وحشت‌آفرین هرگونه فعالیت سیاسی شیعیان عراق علیه حکومت بنی‌امیه را برای مدتی خاموش و خنثا کند.

افزون بر شیعیان، خوارج نیز در عراق به شدت از سوی زیادبن ابیه سرکوب شدند. ستیزه‌جویان خوارج که حکومت معاویه را نامشروع می‌دانستند، در اوان حکمرانی معاویه به مقابله با او برخاستند. زیاد در مبارزه‌های طاقت‌فرسا و بی‌رحمانه آنان را مهار و سرکوب کند. او در شهر بصره - که از مراکز اصلی فعالیت خارجیان در عراق به‌شمار می‌رفت - عرصه را برای خوارج تنگ کرد (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۱). وی با زبان تهدید خطاب به بصریان می‌گفت: «خودتان همه خوارج را ریشه کن سازید، وگرنه کشتار را از خودتان شروع می‌کنم؛ به خدا سوگند اگر یک مرد از ایشان موفق به فرار شود، امسال حتی یک درهم از درآمد خود را دریافت نخواهید کرد» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۴۶۳). لذا مردم بصره نیز به ناچار با خوارج درگیر می‌شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۴۶۳). زیاد با اقتدار قیام‌های خوارج در بصره و اطراف آن را سرکوب کرد و بسیاری از سران خوارج، همچون سَهْمِ بْنِ غَالِبِ هَجِیمِی، حَطِیمِ بْنِ مَالِکِ بَاهَلِی، غَرِیبِ بْنِ مَرِهْ / زِدِی، زَحَافِ بْنِ زَحْر طَایِی و مَعَاذِ طَایِی را به قتل رساند (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۲ و ۱۷۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۴۹۱).

لذا تحرکات سیاسی و نظامی خوارج که می‌توانست برای حکومت تازه‌تأسیس معاویه خطرآفرین باشد، با سرسختی و بی‌رحمی زیاد سرکوب و تضعیف شد. بدون تردید این اقدامات زیاد در تداوم و تثبیت حکومت امویان بسیار تأثیرگذار بوده است.

۱-۲. تطمیع و به‌کارگیری بزرگان و چهره‌های مذهبی

یکی از اقدامات مؤثر و مهم زیادبن ابیه در عراق، به‌کارگیری و تطمیع صحابه و بزرگان بوده است. او برای تسلط هرچه بیشتر بر

را تهدید کرد و آنان را از هرگونه مخالفتی برحذر داشت (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۶). اما مشکل عراق بزرگتر از آن بود که با سخنرانی تهدیدآمیز معاویه حل شود. لذا او زیادبن ابیه را به دلیل آشنایی با فضای سیاسی و اجتماعی عراق به استانداری آن دیار گماشت (مسعودی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۵) تا اوضاع نابسامان و ملتهب عراق را به نفع حکومت بنی‌امیه سامان دهد.

در میان مخالفان معاویه، مخالفت شیعیان عراق بسیار قابل توجه بود. از آنجاکه زیاد زمانی در شمار حامیان امیرمؤمنان علیؑ قرار داشت و با توجه به شناختش از یاران آن حضرت، به راحتی موفق شد شیعیان را در تنگنا قرار دهد. او در بدو ورودش به کوفه، دستور قطع دست‌های حدود ۸۰ نفر از معترضان حضورش در کوفه را صادر کرد (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰)؛ از این‌رو، از وی در منابع با تعبیر «أشد الناس علی آل علی و شیعتهم» یاد شده است (ابن‌حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۴۹۳ و ۴۹۴). زیاد بی‌رحمانه اصحاب امام علیؑ را در کوفه مورد تعقیب قرار داد. وی حجرین عدی صحابه رسول خداﷺ و از اصحاب سرشناس امام علیؑ و شمار دیگری را به دلیل اعتراضشان، دستگیر کرده و به شام نزد معاویه گسیل داشت و با ارسال نامه‌ای معاویه را در کشتن حجر و همراهانش ترغیب کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۴۷۵-۴۸۴). زیاد آن‌گاه خانه حجر را ویران ساخت (ابن‌عساکر، ۱۴۲۵ق، ج ۵۲، ص ۱۳۳) و به جست‌وجوی یاران وی پرداخت و عده‌ای را دستگیر کرد (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۴) و برخی مانند عمروبن حمق خزایی از اصحاب امام علیؑ متواری شدند (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۹۷). زیاد با ارباب سعی داشت جامعه شیعه را منزوی و خاموش کند و از این‌رو، به طرز دهشتناکی آنان مجازات می‌کرد. گفته شده که او دست و پای جویریته‌بن مسهر از یاران امام علیؑ را قطع، و بدن او را به صلیب کشید (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۲۲). همچنین وی مسلم‌بن زیمیر حضرمی و عبدالله‌بن نجی حضرمی، دو تن از اصحاب امیرمؤمنان علیؑ را به قتل رساند و بدنشان را مثله کرد که امام حسینؑ با ارسال نامه‌ای به معاویه، او را در این رابطه توبیخ کرد (ابن‌حیب بغدادی، بی‌تا، ص ۴۷۹).

زیاد نه‌تنها شیعیان را به‌خاطر مخالفت سیاسی با امویان مورد آزار و اذیت قرار می‌داد؛ بلکه می‌کوشید محبت آنان نسبت به امیرمؤمنان علیؑ را نیز از میان بردارد؛ از این‌رو، مردم کوفه را به لعن و تبری از آن حضرت مجبور می‌کرد. نقل است که زیاد مجلس لعن و تبری از

مردم عراق بوده است (بلاذری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۵). وی به دستور معاویه نهر بزرگ و پرابی در بصره حفر کرد (بلاذری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۹). در زمان زیاد کشاورزی نیز در عراق رونق گرفت. گفته‌اند که وی زمین‌هایی را برای کشاورزی واگذار می‌کرد و به مدت دو سال مهلت می‌داد که آباد و کشت کنند؛ وگرنه آن املاک را باز می‌ستاند (بلاذری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۴۵). همچنین وی برای مدیریت اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم، مرکزی به نام مدینه‌الرزق (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۸) یا دارالرزق را در عراق احداث کرد (بلاذری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۱۴). زیاد به زیباسازی و تمیزی شهرها نیز توجه داشت؛ به دستور او مردم موظف بودند که فضولات را از کوچه‌ها و خیابان‌ها پاکسازی کنند (بلاذری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۳۷). حتی گفته شده پس از هر بارندگی مردم ملزم بودند که معابر و کوچه‌ها را از هرگونه گل و لای تمیز کنند، وگرنه با مجازات روبه‌رو می‌شدند (بلاذری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۳۷).

یکی از کارهای مهم عمرانی زیادبن/بیه، توسعه و نوسازی مساجد در دو شهر کوفه و بصره است. او برای توسعه مسجد بصره دستور داد ستون‌های سنگی را از کوه‌های اهواز به بصره آوردند و ساختمان مسجد را با مصالحی چون آجر و گچ و ساج بنا نهاد (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۴۳۳). این مسجد به قدری باشکوه بود که برخی از شعرای آن زمان در اشعارشان ساختن این بنا را کار شیاطین معرفی می‌کردند (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۴۳۳). آن‌گاه به دستور زیاد کف مسجد را که مردم در هنگام نماز خاک‌آلود می‌شدند، ریگ پوش کردند. البته به فرمان وی دارالاماره نیز در کنار مسجد بنا گردید. همچنین به دستور زیاد مسجد کوفه نیز به وسیله معماران ایرانی مرمت (طبری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۰) و ریگ پوش شد (بلاذری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۰)؛ و ساختمان دارالاماره در آن شهر احداث گردید (بلاذری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۹). برای نخستین بار توسط زیاد، مقصوره در مسجد کوفه ایجاد شد. گفته شده که پس از آنکه مردم در مسجد به سوی زیاد ریگ پرتاب کردند، او دستور بنای مقصوره را داد (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۶).

۲-۲. تحولات اداری و سازمانی

یکی از مهم‌ترین کارهای زیاد، سروسامان دادن به امور اداری و نظام‌مند کردن امور دیوانی امارت عراق بوده است. یقوی از تاریخ‌نگاران متقدم در این باره نوشته که «زیاد نخستین کسی است

سرزمین عراق و مشروعیت بخشیدن به حکومت معاویه و امارت خود، با روش‌های مختلف می‌کوشید چهره‌های سرشناس و متنفذ را با خود همراه کند. وی در این راستا جمعی از صحابه را در مناصب حکومتی قرار داد تا از جایگاه آنان در تقویت اهداف سیاسی بهره‌برداری کند (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۹؛ نویری، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۳۱۶). یکی از مهم‌ترین این افراد سمرقین جنب فزاری - جانشین زیاد در بصره - می‌باشد که در تضعیف خوارچ نقش مؤثری داشته است (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۳۲). گفته شده او هشت هزار نفر از مردم بصره را قتل‌عام کرد (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۶). زیادبن/بیه، عمران بن حصین از اصحاب رسول خدا ﷺ را نیز زمانی بر منصب قضاوت گماشت که پس از مدتی عبدالله بن فضاله لیشی و آن‌گاه برادرش عاصم بن فضاله دو تن دیگر از صحابه را جایگزین وی کرد (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۹). همچنین او حکم‌بن عمرو غفاری را نیز حاکم خراسان - که در آن زمان زیر نظر زیاد اداره می‌شد - قرار داد (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶). افزون بر افراد یادشده زیاد صحابه‌های دیگری را نیز در مناصب حکومتی به خدمت گرفت که انس بن مالک و عبدالرحمن بن سمرقین حبیب قرشی از آن جمله‌اند (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۹).

زیادبن/بیه علاوه بر به‌کارگیری بزرگان در موقعیت‌های سیاسی، از روش تطمیع نیز برای همراهی شخصیت‌های ذی‌نفوذ و دارای جایگاه اجتماعی و مذهبی بهره می‌گرفت. نقل است که او اسامی پانصد نفر از مشایخ بصره را در زمره یاران خود ثبت کرده و به هریک از آنان ۳۰۰ تا ۵۰۰ سکه مقررری پرداخت می‌کرده است (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۸). همچنین زیاد اموال و هدایایی را برای همسران پیامبر به مدینه ارسال می‌کرده که در این میان سهم عایشه - ظاهراً به‌خاطر نقش آفرینی اجتماعی‌اش - بیش از دیگران بوده است (ابن‌عساکر، ۱۴۲۵، ج ۴۵، ص ۴۵۴).

۲. اقدامات اجتماعی و اقتصادی زیاد در تقویت

خلافت اموی

۲-۱. فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی

زیادبن/بیه در زمان امارتش بر عراق اقدامات عمرانی قابل‌توجهی را انجام داد، تا خلافت معاویه و امارت خود را در جامعه موجه جلوه دهد. از جمله خدمات عام‌المنفعه او، تعمیر پل‌ها و احداث آب‌انبار برای

عبدالجبار، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۳ و ۱۴۴)، تا جایی که او می‌گفت: «هذه الخلافة أمر من أمور الله و قضاء من قضاء الله» (ابن عساکر، ۱۴۲۵ق، ج ۱۹، ص ۱۹۷). برخی گفته‌اند: معاویه نخستین کسی است که افعال بندگان را از آن خداوند می‌دانست (ابی هلال عسکری، ۱۴۰۸ق، ص ۳۶۸). زیادین ایبه هم در راستای اهداف امویان به تقویت جبرگرایان در عراق پرداخت (جاحظ، ۲۰۰۲، ص ۶۰۶). او حتی برخی از رفتارهای ناپسند و غیرانسانی خود را نیز جبرگرایانه توجیه می‌کرد و به خداوند نسبت می‌داد. وی در سخنانی خطاب به مردم بصره گفت: «ای مردم ما رهبران شما شده‌ایم و حامیان تان؛ به قدرتی که خدا به ما داده است راه تان می‌پریم و به کمک غنیمتی که خدای به ما سپرده از شما حمایت می‌کنیم. ما را بر شما حق شئوایی است و اطاعت در مورد چیزهایی که بخواهیم و شما را بر ما حق عدالت است در مورد چیزهایی که بر عهده داریم» (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۶).

همو در ماجرای حجرین عدی در نامه‌ای به معاویه نوشت: «طفیان گرانی که رهبرشان حجرین عدی بود با امیرمؤمنان مخالفت کردند و از جماعت مسلمانان جدا شدند و علیه ما جنگ راه انداختند؛ خدا ما را بر آنها غلبه داد و بر آنها تسلط یافتیم» (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰۲).

۳-۲. ترویج دشمنی اهل بیت

زیاد به شدت می‌کوشید تا نفوذ اهل بیت را در میان جامعه تحت سیطره‌اش از بین ببرد تا مشکلی از ناحیه آنان برای حکومت بنی‌امیه ایجاد نشود. می‌دانیم که بسیاری از مردم عراق همواره در دل گروه اهل بیت، به‌ویژه امیرمؤمنان علی داشتند و هنوز حکومت‌داری عدالت‌ورزانه آن حضرت را از یاد نبرده بودند. لذا زیاد سعی داشت جایگاه اهل بیت در میان عراقیان را تضعیف و آنان تخریب کند و در این راستا آشکارا به لعن و تنقیص امیرمؤمنان علی می‌پرداخت. نقل است که او در واپسین روزهای عمرش مردم کوفه را در رحبه و مسجد آن شهر گرد آورد تا از امام علی برائت بجوبند (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۶۸). به گفته ابن ابی‌الحدید معتزلی وی مردم عراق را به قتل و ویران شدن خانه‌هایشان در صورت عدم لعن حضرت علی تهدید می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۴، ص ۵۸). حتی او دوست‌داران و اصحاب ایشان را دستگیر می‌کرد و آنان را مجبور به لعن آن حضرت می‌کرد (ابن عساکر، ۱۴۲۵ق، ج ۲۴، ص ۲۵۹). او به دستور معاویه در اقدامی غیرانسانی عبدالرحمن عنزی را به سب مدح علی در ناطف

که دیوان‌ها را فراهم ساخت (ظاهراً در عراق) و نسخه برداشتن از نامه‌ها را مرسوم کرد و نویسندگان نامه‌ها را از عرب و موالی بسیار فصیح برگزید» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۴). او دیوان زمام را برای ثبت حساب‌ها و دخل و خرج حکومتی و دیوان خاتم را برای ممهور کردن نامه‌ها، به تقلید از ایرانیان، برای نخستین بار - در دوران امارتش بر عراق - تأسیس کرد (بلادری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶۹). گفته شده که زیاد اولین کسی است که دستور داد نسخه‌ای از نامه ارسالی در دیوان دارالاماره بایگانی شود. به اصطلاح امروزی او دبیرخانه تأسیس کرده بود (صابی، ۱۴۳۴ق، ص ۲۶۰). زیاد برای ارتباط با قبائل عراق و جمع‌آوری اموال برای نخستین بار منصب عرفا (عرفا جمع عرفیه به معنای کسی که متولی کارهای قبیله است و رابط میان حاکم و قبیله نیز هست) را بنیاد نهاد (قلقشندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۳) که در آنجا معتمدان و سرشناسان هریک از طوائف حضور داشتند. البته او منصب مناکب (جمع منکب به مدیر و یاور یک گروه گفته می‌شود) را نیز ایجاد کرده بود (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۲۰) که اعضای آن مسئولیت عرفای هریک از قبائل را عهده‌دار بودند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۸۵). زیاد در دریافت خراج نیز اقدامات مؤثر و مهمی را انجام داد. به دستور او همگان موظف بودند که خراج را به سکه‌های ساسانی که وزن و عیارشان کامل بود، پرداخت کنند؛ درحالی‌که پیش از آن مردم با سکه‌های نازل‌تری موسوم به سکه طبریه خراج می‌پرداختند (قمی، بی‌تا، ص ۱۴۷). همه این کارهای زیاد از هرگونه بی‌نظمی اجتماعی جلوگیری می‌کرد و در نهایت به نفع حکومت اموی تمام می‌شد.

۳. اقدامات فرهنگی و تبلیغی زیاد در تقویت خلافت اموی

۳-۱. حمایت از تفکر جبرگرایی

از جمله اقدامات مهم فرهنگی که زیاد برای تقویت خلافت امویان انجام داد حمایت از تفکر جبرگرایی بود. جبرگرایان که معتقد بودند هر آنچه در این عالم اتفاق می‌افتاد همه از آن خداوند باری تعالی است و انسان در انجام و عدم انجام آن قدرتی ندارد (شبهاری صنعانی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۷۶) به شدت مورد حمایت امویان و شخص معاویه قرار داشتند (قاضی عبدالجبار، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۳)؛ چه آنکه معاویه می‌کوشید اقدامات جنایت‌کارانه و کارهای نابجای خویش را مشروع جلوه دهد و از این رو، آنها را ناشی از تقدیر الهی معرفی می‌کرد (قاضی

می‌افتاد، کسی متعرض آن نمی‌شد، تا صاحبش بیاید و آن را برگرد. زن شب در خانه می‌خفت و در را نمی‌بست... آنچنان مردم از وی بیم داشتند که پیش از او از هیچ‌کس نداشتند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸ و ۱۹).
زیاد پس از تسلط بر شهرها به تأمین امنیت راه‌های ناامن سرزمین‌های تحت امرش، اهتمام ورزید تا جایی که می‌گفت از اینجا (عراق) تا خراسان ریسمانی گم شود، می‌دانم چه کسی آن را برداشته است (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۸). ناگفته نماند که یکی از اقدامات امنیتی زیاد در عراق تهجیر اقوام بود. او به دستور معاویه بخشی از ایرانی‌تباران عراق، معروف به حمراء دیلم را به شام، و بخشی را به بصره کوچ داد (بلادری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۳). همچنین به دستور وی اقوامی غیرعرب چون زط و سیابجه از بصره به سوی انطاکیه در شام مجبور به مهاجرت شدند (بلادری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۲).

به‌هرروی، زیاد با این اقدامات امنیتی موفق شد منطقه سوق‌الجیشی عراق را برای امویان آرام کند؛ تا جایی که به معاویه می‌گوید من با دست چپم عراق را برای تو ضبط کردم، دست راستم بیکار است؛ پس آن را با امارت حجاز مشغول گردان (ابن اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۴۹۳).

۴-۲. نظامی

از اقدامات مهم زیاد در عراق سروسامان دادن امور نظامی است. او با تشکیل واحدهای منسجم نظامی و ساختارمند کردن آنها، به خوبی توانست هرگونه حرکت مخالفان را سرکوب کرده و از سوی دیگر در فتوحات مشرق اسلامی نیز به پیروزی‌هایی دست یابد. بنابر نقل تاریخ‌نگاران تا پیش از حضور زیادبن/ایه در بصره، در آن شهر چهل هزار جنگجو وجود داشت که در زمان زیاد شمار این نظامیان دو برابر شد و به هشتاد هزار نفر افزایش پیدا کرد (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۲۰). تعداد نظامیان کوفه نیز در زمان او شصت هزار نفر بوده است (بلادری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۹). زیاد برای نظامیان و خانواده‌هایشان حقوق و مقرری سالیانه تعیین کرده بود. گفته شده که عطایای لشکریان در آغاز ماه محرم هر سال پرداخت می‌شد (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۱۹) و خانواده‌های آنان نیز در ابتدای ماه رمضان ارزاق خود را دریافت می‌کردند (همان). در برخی گزارش‌ها آمده است که زیاد سالیانه ۳۶ میلیون درهم به نظامیان بصره و ۱۶ میلیون درهم به خانواده‌های آنان پرداخت می‌کرده است (همان، ص ۲۱۸). او با کمک این نیروهای گسترده نظامی موفق شد در

کوفه زنده به گور کرد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۱۰۲؛ ابن عساکر، ۱۴۲۵ق، ج ۸، ص ۲۶ و ۲۷). گفته شده که به فرمان زیاد چهار مسجد به نام‌های مسجد بنی‌عدی، مسجد بنی‌مجاجع، مسجد اساوره و مسجد حدان، مختص دشمنان علی^ع در چهار محله شهر بصره احداث گردید (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۳۲؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: تقفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵۸). از دیگر سو، گزارش‌هایی در دست داریم که او به تبعیت از خلیفه اموی، عثمان دوستی را ترویج می‌کرد و با هرگونه عثمان‌ستیزی نیز به شدت برخورد می‌کرد (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۵).

۴. اقدامات امنیتی و نظامی زیاد در تقویت خلافت اموی

۴-۱. امنیتی

زیادبن/ایه با اقدامات امنیتی و با ایجاد فضای رعب‌انگیز موفق شد اوضاع نابسامان عراق را به نفع خلافت بنی‌امیه کنترل کند. او سیطره امنیتی بر شهرهای عراق را در دستور کار خود قرار داده بود (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۸). از این‌رو، وی شهر بصره را به پنج بخش (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۲۰) و شهر کوفه را به چهار بخش تقسیم (طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۳۰) و برای هر بخشی مسئولی تعیین کرده بود (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۹۷ و ۹۸) تا بهتر بتواند بر آن شهرها تسلط پیدا کند. نقل است که وی برای نخستین بار نگهبان یا نیروی گارد ویژه برای خود استخدام کرد (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۲۱). به گفته طبری، زیاد در بصره چهار هزار شرطه یا نیروی انتظامی برای نظم و امنیت شهری به خدمت گرفت (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۸). او می‌کوشید با تهدید و ایجاد جوی وحشت‌آفرین هرگونه اقدامی را در نطفه خفه کند، از این‌رو، با اندک بهانه‌ای مردم را زندانی می‌کرد و حتی همسایه را به جرم همسایه‌اش مجازات می‌کرد (بلادری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۲۱). وی در خطبه‌ای خطاب به مردم بصره می‌گفت: «رفت و آمد در شب ممنوع است و هرکسی را به اتهام شب‌روی پیش من بیاورند، خونس را می‌ریزم... هرکس، کسی را غرق کند، غرقش می‌کنم؛ هرکس بر کسی آتش افروزد، او را می‌سوزانم؛ هرکه به خانه‌ای نقب بزند، به قلبش نقب می‌زنم؛ هرکه قبری را بشکافد، زنده به گورش می‌کنم...» (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۶).

تاریخ‌نگاران نوشته‌اند که در ایام امارت زیاد بر عراق، مردم بسیار از او می‌ترسیدند؛ اما از همدیگر ایمن شدند؛ تا جایی که اگر از کسی چیزی

سروسامان دادن امور نظامی و تشکیل واحدهای منسجم نظامی و ساختارمند کردن آنها، به خوبی توانست هرگونه حرکت مخالفان را سرکوب کرده و در فتوحات مشرق اسلامی نیز به پیروزی‌هایی دست پیدا کند که همهٔ این اقدامات در ثبات و تداوم حکومت بنی‌امیه مؤثر بوده است.

شرق اسلامی سرزمین‌های مهم و قابل‌توجهی را تصرف کرده و ضمیمه خلافت امویان کند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۱۶؛ خلیفه‌بن خیاط، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۹).

نتیجه‌گیری

از اقدامات مهم زیادبن ابیه سرکوبی مخالفان بنی‌امیه در عراق بوده است. او به شدت با شیعیان و خوارج که از مهم‌ترین و سرسخت‌ترین مخالفان حکومت اموی در عراق به‌شمار می‌رفتند، برخورد کرد و بسیاری از آنان را به طرز فجیعی به قتل رساند. وی با سرکوبی این دو گروه عمده مخالف، خدمتی بزرگی به امویان کرد و خلافت تازه‌تأسیس بنی‌امیه را از خطر سقوط نجات داد. زیادبن ابیه برای تقویت و تثبیت حکومت اموی تنها به نابودی مخالفانشان بسنده نکرد؛ بلکه او با اقدامات ایجابی دیگر نیز در ثبات و تداوم حکومت امویان اهتمام ورزید. وی با فعالیت‌های تمدنی و عمرانی و خدمات عام‌المنفعه، چون تعمیر پل‌ها، بازسازی مساجد، احداث نهرها، توسعهٔ کشاورزی، زیباسازی و پاک‌سازی شهرها سعی داشت امویان را در حکومت‌داری موفق جلوه دهد. یکی از مهم‌ترین کارهای زیاد، سروسامان دادن به امور اداری و نظام‌مند کردن امور دیوانی امارت عراق بوده است. او با تأسیس دیوان‌ها و مراکز اداری و ایجاد نظم سازمانی، از هرگونه هرج و مرج اجتماعی جلوگیری کرد. زیاد در حمایت و تثبیت حکومت بنی‌امیه اقدامات فرهنگی و تبلیغی مهمی نیز انجام داد که ترویج دشمنی با اهل‌بیت^ع در میان عراقیان یکی از آنهاست. او از دوستی و ارادت مردم عراق نسبت به اهل‌بیت^ع بیمناک بود و این امر را برای حکومت امویان و بالطبع برای امارت خودش خطرآفرین می‌دانست. ازاین‌رو، در تضعیف جایگاه و تنقیص شخصیت آنان، به‌ویژه امیرمؤمنان علی^ع در میان عراقیان همت گماشت تا جایی که مردم را به لعن و نفرین آن حضرت مجبور می‌کرد. زیاد در راستای حمایت از امویان به شدت از تفکر جبرگرایانه پشتیبانی می‌کرد، چه آنکه این فکر هرگونه اعتراض علیه ستمگری‌ها و ناعدالتی‌های امویان را برنمی‌تافت و رفتارهای غیراسلامی و انسانی حکام اموی را به گونه‌ای شرم‌آور توجیه می‌کرد. زیاد اقدامات امنیتی و نظامی مهم و قابل‌توجهی را در عراق انجام داد. با تدابیر امنیتی او تا حدود زیادی سرزمین بحران‌خیز عراق آرام شد و همه چیز در کنترل زیاد قرار گرفت. همچنین او با

شهراری صنعانی، علی بن عبدالله، ١٤٢٣ق، *بلوغ العرب و كنوز الذهب*، تحقیق عبدالله احمد الحوثی، عمان، مؤسسه زیدبن علی.

صایب، ابی الحسن محمدبن هلال، ١٤٣٤ق، *الهفوات النادره*، قاهره، المكتبة الازهرية للتراث.

طبری، محمدبن جریر، بی تا، *تاریخ الطبری*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ١٤٠٩ق، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، دارالهجره.

قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد، ١٤٠٦ق، *فضل الاعتزال*، تحقیق فواد سید، تونس، دار التونسیه.

قلقشندی، احمد بن علی، بی تا، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.

قمی، حسن بن محمد، بی تا، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی، بی جا، بی تا.

مسعودی، علی بن حسین، ١٤٠٤ق، *مروج الذهب*، چ دوم، قم، دارالهجره.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ١٤١٤ق، *الارشاد*، تحقیق مؤسسه آل البيت، چ دوم، بیروت، دارالمفید.

نوبری، شهاب الدین، بی تا، *نهاية العرب فی فنون الادب*، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.

منابع.....

ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین بن هبة الله، ١٣٧٨ق، *تسرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.

ابن اثیر، علی بن محمد، بی تا، *اسدالغابه فی معرفة الصحابه*، بیروت، دارالکتب العربی.

—، ١٣٨٦ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.

ابن اعثم، احمد بن، ١٤١١ق، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.

ابن حبیب بغدادی، محمدبن حبیب، بی تا، *المحبر*، تحقیق ایلزه لیختین شتیر، بیروت، دارالافتاح الجدیده.

ابن حجر، احمد بن علی، ١٣٩٠ق، *لسان المیزان*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ١٤٠٨ق، *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.

ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد، ١٤٠٤ق، *العقد الفرید*، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن عساکر، علی بن حسن، ١٤٢٥ق، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، ١٩٦٩م، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، مصر، دار المعارف.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن کثیر، ١٤٠٨ق، *البدایة و النهایة*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ابن مسکویه، احمد بن محمد، ١٣٧٩، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، چ دوم، تهران، سروش.

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، بی تا، *الاعانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ابی هلال عسکری، محمدبن عبدالله، ١٤٠٨ق، *الاوائل*، تحقیق محمد السید الوکیل، طنطا، دار البشیر.

بلاذری، احمد بن یحیی، ١٩٧٩م، *انساب الاشراف*، تحقیق احسان عباس، بیروت، جمعیة المستشرقین الالمانیه.

—، بی تا، *فتوح البلدان*، تحقیق صلاح المنجد، قاهره، مكتبة النهضة المصریه.

تقفی، ابراهیم بن محمد، بی تا، *الغارات*، تحقیق سیدجلال الدین محدث ارموی، بی جا، بی تا.

جاحظ، عمرو بن بحر، ٢٠٠٢م، *الرسائل (السیاسیه)*، تحقیق علی ابوملحم، بیروت، دار الهلال.

حموی، یاقوت بن عبدالله، ١٣٩٩ق، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

خلیفه بن خیاط، ١٤١٤ق، *تاریخ خلیفه*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.

دینوری، احمد بن داود، ١٩٦٠م، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، دار احیاء الکتب العربی.

ذهبی، محمدبن احمد، ١٤٠٧ق، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العربی.